

بامداد ماجرا از آن گاه پهن شد که دیوارهای پر از لکه و سیاهی حجره‌ی ۲۵ را سه نفری، رنگ زدیم.

با هم، یک کتیبه‌ی سرخ‌فام سلام بر اهل بیت را هم خریدیم و به دیواری که حالا از سفیدی برق می‌زد کوبیدیم. کتیبه‌ای که بعدها سر از یک هیئت کوچک طلبگی در آورد.

خورشید مهدی زاهدلویی، از ساعتی طلوع کرد که یک سال گذشته بود و ما از آن حجره و مدرسه رفته بودیم. در نهایت، مهدی و دو نفر دیگر، مالک حجره‌ی ۲۵ شدند.

صبح آشنایی مان اما آن لحظه‌ای دمید که با تلاش زیادی شماره‌ام را پیدا کرد تا بابت هزینه‌ی رنگ اتاق و آن کتیبه، حلالیت بگیرد و

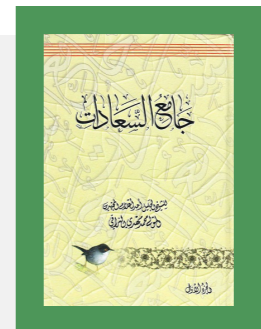
یا حتی پولی پرداخت کند.

این آشنایی، فقط چند روز دوام آورد. کمتر از عمر یک پروانه و نزدیک به مدت طلبگی‌اش.

شهادت مهدی، روبروی یک مسجد و در حال دفاع عملی و اعتقادی از قانون خدا و حکومت خدا، شاید بزرگ‌ترین تلنگر برای همه‌ی ما بود. تلنگری به سان یک ضربه‌ی هولناک که جاماندگی‌هایمان را روشن ساخت. ما در آن حجره، یک سال تمام زندگی کردیم و درجا زدیم اما مهدی در کوتاه‌ترین زمان، بال‌های پروازش را در آن بافت. ما زیر آن کتیبه‌ی سلام، یک سال سینه‌زدیم و مهدی، در سه نوبت، بال‌هایش را با اشک معطر ساخت و در آخر، پیش چشمان حیرت‌زده‌ی ما، پرگشود.

جامع السعادات

اثر ملا احمد نراقی



نموده است.

وجه اشتراک زحمت ایشان با دیگر قلم‌زنان در موضوع اخلاق، پرداختن مفصل به وظایف مومنان در قبال یکدیگر است. بر این اساس اخلاق ذمیمه و حسنه مطرح شده و راه معالجه و تقویت هر کدام ذکر شده است. مثلا شرافت اعانه مسلمین، صله رحم، ادخال سرور در قلب مؤمن و مذمت ترک آن‌ها از مباحث مبسوطی است که در این کتاب به آن پرداخته شده است.

تمخّل

روایت شیرینی از امیرالمومنین

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَدْ فَرَضَ اللَّهُ التَّمَحُّلَ عَلَيَّ الْأَبْرَارِ فِي كِتَابِ اللَّهِ قَيْلٌ وَ مَا التَّمَحُّلُ قَالَ إِذَا كَانَ وَجْهُكَ أَثَرًا عَنْ وَجْهِهِ التَّمَسَّتَ لَهُ وَقَالَ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ يُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ حَصَاةٌ

امام علی علیه السلام:

همانا خداوند تمخّل را برای خوبان لازم کرد، از ایشان پرسیدند: تمخّل چیست؟ فرمودند: اگر کسی از تو کمک خواست، ناامیدش نکنی. سپس افزود: در قرآن هست: (مؤمنان) ایثار می‌کنند اگر چه در سختی طاقت فرسا باشند.

[منبع: المؤمن، ص: ۴۵]

خط‌جهاد

ماهنامه تخصصی جهادگران حوزوی / آبان ۱۴۰۱ | شماره ۱۰

آن شب

عبدالحمید ابراهیمی‌نیا

آن موقعی که هنوز غسل و بیمارستان، ترند طلبه‌های جهادی بود و شبها، حرم جمهوری اسلامی را در ICU کرونا پست می‌دادند، یک جوان رعنائی را آوردند که ۹۰ درصد درگیری ریه داشت؛ خودتان دیگر فرض کنید که چقدر دل آدم می‌گیرد و غصه‌دار می‌شود بابت این اتفاق تلخ. نمی‌دانم اما شاید کسی جز رفقای جهادی، برای بیمار ناشناس ختم صلوات و زیارت عاشورا نگیرد.

بگذریم؛ دست قضا که آن جوان رعنا را برد به جوار رحمت حق، تازه فهمیدیم که دست بر قضا از آن اصلاح‌طلب‌های دوآتشه بوده و چه بسیار مواضع رادیکالی هم که داشته.

ولی خادم که برای خدمت پروتکل ندارد! برایش ختم قرآن هم می‌گیرد و مغفرت می‌خواهد از خدا، بارها هم جمله «درد و بلات بخوره تو سر آخوندا» را از زبان بیمار می‌شنود و می‌خندد و هیچ نمی‌گوید. به وقت اطلاع از خبر شهادت «آشوخ احمدرضا (هادی) عرفانی‌نیا» تمام قصه مرور شد برایمان. از شما چه پنهان که قطره اشکی و یک آه هم نصیب شد. فرض کن خادم و سرباز رسمی ملت ایران، شربت میلاد پیامبر ﷺ ریخته توی لیوان برادران سنی و شیعه‌اش، آخر شب هم کام شیرین کرده به شهد شهادت در راه حفظ حرم و مقدسات. یک فشنگ، از دست جوان لجوجی که شاید سربش با شربت «شیخ‌هادی» سیراب شده، فقط در جواب اعتراض به اینکه «چرا فحش می‌نویسی روی دیوار مردم...».

پیروان علی علیه السلام

و خدمت به همه

گفتگوی ویژه این شماره را در صفحه سوم بخوانید!

اگر ما نیز به اندازه توان خود در هدایت مردم تلاش و کوشش کنیم، آیا امکان دارد که مورد عنایت «عین الله الناظرة» و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشرف نباشیم؟! [حضرت آیت‌الله بهجت]

طلبه جهادگر شهید مدافع امنیت
اگر رضای عرفانی‌نیا



جهادگر شهید؛
خون‌برهای
آبادی

علمای دین و طلاب حوزه‌های علمیه جهان تشیع همواره گره‌گشایی از کار مردم و خدمت‌رسانی به آنان را از وظایف و رسالت‌های خود دانسته و نسبت به آن اهتمام داشته و دارند. گستره این خدمات محدود به مذهب یا فرقه خاصی نبوده بلکه پیروان سایر ادیان و مذاهب نیز از این کمک‌ها بهره‌مند می‌شوند.

حجت‌الاسلام خادم محمدی از دانش‌آموختگان حوزه علمیه قم و معاون تبلیغ مدرسه علمیه شهرستان میناب استان هرمزگان یکی از هزاران طلبه‌ای است که در مناطق مشترک (شیعه و سنی) فعالیت جهادی دارد و گره‌گشایی از کارشان را از وظایف خود و سایر طلاب می‌داند. وی در تبیین اهمیت فعالیت‌های جهادی طلاب به گفت‌وگو با پایگاه اطلاع‌رسانی جهادگران حوزوی نشست که مشروح آن در ادامه آمده است.

ماهنامه خط جهاد؛ نشریه تخصصی جهادگران حوزوی سال اول ماه دهم شماره ۱۰	khatejahad	@khatejahad_admin
صاحب امتیاز: دبیرخانه هماهنگی گروه‌های جهادی حوزه‌های علمیه کشور	www.jahadgaranhowzavi.com/mag	
مدیر مسئول: ابوالفضل علیخانی سردبیر: روح‌الله جلالوند مدیر هنری: عبدالحمید ابراهیمی‌نیا	۰۲۵-۳۲۹۴۲۱۰ khatejahad.mag@gmail.com	
نویسندگان: روح‌الله جلالوند، عبدالحمید ابراهیمی‌نیا، مسلم عارف سایت: مصطفی عربی		

هم سفره مهمان خدا

وَ الْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافٍ فَإِذَا

و شترهای فربه را (در مراسم حج) برای شما از شعائر الهی قرار دادیم؛ در آنها برای شما برکت است؛ نام خدا را در حالی که به صف ایستاده‌اند بر آنها ببرید؛ و

وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَ أَطْعَمُوا الْقَانِعَ وَ الْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٣٦﴾

هنگامی که جان دادند، از گوشتشان بخورید و مستمندان قانع و فقیران را از آن اطعام کنید! این گونه ما آنها را مسخرتان ساختیم، تا شکر خدا را بجا آورید(۳۶)

سوره مبارکه حج آیه ۳۶

گفت و گو

شیخ هادی

گفت‌وگویی نشریه خط جهاد با جناب آقای راستگو؛ دوست شهید امنیت شیخ احمد رضا (هادی) عرفانی نیا

لطفا خودتان را معرفی کرده و بفرمایید آغاز آشنایی شما با شهید چه زمانی بوده است؟ مرتضی راستگو هستم، حدود ۱۲ سال پیش در مکتب القرآن امام محمد باقر علیه السلام با (شیخ هادی) آشنا شدم.

شهید از چه کسی تأثیر می‌گرفت؟ الگوی خاصی داشت؟

پایه‌های فکری شیخ در همان مکتب و تحت تأثیر استاد عزیز آقای غلام عباس عبدل پورو استاد عزیز حجت‌الاسلام آزاد امام جمعه‌ی حال حاضر شهرستان خفر بنا شد. بعد از آن هم که برای تحصیل دروس حوزوی به مدرسه امام رضا علیه السلام قم رفت. در بین شهید، شهید ابراهیم هادی جایگاه ویژه‌ای در قلب (شیخ هادی) داشت.

آیا خصلتی از شهید در ذهن شما هست که وجه تمایز ایشان با سایرین باشد؟

اهل بی‌تفاوتی نسبت به جامعه نبود. به شدت با تنبلی و بطالت مبارزه می‌کرد. از خودگذشتگی و دلسوزی برای دیگران هم از خصلت‌های پسندیده ایشان است. ملاک دوستی اش با دیگران، جذب به مسجد و هیئت و کارهای جهادی بود. به همین خاطر تلاش می‌کرد در دوره‌های بازی‌های مختلفی را برگزار کند تا حتی از این فرصتها هم

به بهترین وجه استفاده کرده باشد. در مقابل با کسانی که علیه نظام و ولایت حرفی می‌زدند، آبش توی یک جوی نمی‌رفت. خیلی صریح و بی‌پرده از کم‌کاری مسئولان انتقاد می‌کرد. رفتار محترمانه‌ای با بستگانش داشت، در صورتی که به کمک نیاز داشتند، دریغ نمی‌کرد. نسبت به والدین هم که عجیب بود؛ مادرش نقل می‌کند «چهار دست و پا می‌شد و به شکل طنزگونه‌ای جلو می‌آمد و پاهای من را می‌بوسید».

مهمترین عاملی که به شهید برای استمرار فعالیت‌های جهادی انگیزه می‌داد چه بود؟

نامیدی در قاموس شهید معنا نداشت، در سختی‌های کار ابتکار عمل به خرج می‌داد و حتی سایرین را هم به حرکت وا می‌داشت. هیچ چیز به اندازه خدمت به مردم که رضایت خدا و امام زمان علیه السلام را به دنبال داشته باشد، به او انگیزه نمی‌داد.

ارتباط (شیخ هادی) با مفهوم شهادت چگونه بود؟

«شیخ هادی» در مبارزه با منافقین کردستان حضور داشت. حتی پایش ترکش خورده بود که برای اینکه خانواده مطلع نشوند، خودش را عمداً از موتور می‌اندازد تا مجبور به دروغ گفتن نشود و همه فکر کنند که از موتور

افتاده است. منظور اینکه با شهادت بیگانه نبود. حسرت خوردن‌های او را هنگام یاد کردن از رفقای شهیدش، باید از دوستانی که با او در کردستان بوده‌اند جویا شد.

در بین کارها و عرصه‌های جهادی، به کدامیک بیشتر علاقه‌مند بود؟

شهید در خیلی از عرصه‌ها فعالیت داشته ولی به «سرزدن به فقرا در مناطق محروم» خیلی علاقه داشت.

ویژگی طلبگی شهید (شیخ هادی) چه بود؟

شیخ هادی به همان مقدار که از درس حوزه می‌خواند در عمل پایبند بود و عمل می‌کرد. مخلصانه و لوجه الله و بدون توقع و چشم‌داشت، خودش را وقف دین و جامعه و مردم کرده بود. از هیچ کوششی دریغ نمی‌کرد. یقیناً اگر طلاب چنین باشند مردم دو چندان عاشق اسلام و روحانیت و نظام مقدس اسلامی خواهند شد.

حقیر معتقدم که کالبد تن توانایی و ظرفیت همراهی این حجم از کارهای بی‌وقفه‌ی شیخ هادی را نداشت؛ به اندازه توان و ظرف وجودی خود هرکاری را که می‌توانست برای خدا انجام می‌داد، لذا لایق شهادت شد تا از این کالبد محدود تن جدا شود و با روح بزرگش بیش از پیش و نامحدود گره‌گشایی کند.



دفن پیکریک شهید در گلزار شهدای بیرم



اقامه نماز در قالی شویی جهادی



قالی شویی جهادی برای فرش‌های سیل‌زدگان



همکاری در ساخت سالن شهدای گمنام

گفت و گو

پیروان علی علیه السلام و خدمت به همه

گفت‌وگویی «خط جهاد» با حجت‌الاسلام خادم محمدی معاون تبلیغ مدرسه علمیه شهرستان میناب

ضمن عرض سلام و خدقوت، بفرمایید متولد کجاییید و از چه سالی وارد حوزه شده‌اید؟

سال ۱۳۴۹ در میناب به دنیا آمده و بعد از مقطع سیکل به مدرسه علمیه میناب و پس از یک سال به مدرسه بعثت قم رفتم و تا سال ۶۵ و عملیات کربلای چهار و پنج در آنجا تحصیلاتم را ادامه دادم.

در عملیات کربلای ۵ شیمیایی شدم و تحصیلات حوزوی‌ام را در حوزه علمیه النبی علیه السلام بندرعباس ادامه دادم.

فعالیت‌های جهادی را از چه زمانی آغاز کردید؟

فعالیت‌های جهادی ما به نحوی از اولین اعزام به جبهه در سال ۶۲ آغاز شد.

اسم گروه جهادی شما چیست و چند عضو دارد؟

گروه ۲۸ نفره ما با عنوان امام علی علیه السلام از مبلغین مستقر در روستاها تشکیل شده است.

گستره جغرافیایی و عرصه‌های خدمت‌رسانی گروه جهادی امام علی علیه السلام چیست؟

در کنار فعالیت‌های تبلیغی و بیشتر در ایام تعطیل، به فعالیت‌های خدماتی و عمرانی می‌پردازیم به عنوان مثال از اول کرونا در بیمارستان‌ها حضور پیدا کرده و در کمک‌رسانی به پرسنل درمان و بیماران مشارکت داشتیم. اموات مبتلا به کرونا که پیشتر با تیمم دفن می‌شدند به همت برخی طلاب جهادی میناب غسل داده شدند.

ارائه مشاوره در بیمارستان‌ها در کنار کمک به پرسنل درمان و بیماران از دیگر فعالیت‌های گروه جهادی امام علی علیه السلام بود. طی شش سال فعالیت گروه، در حوادث طبیعی و بحران‌هایی همچون سیل و زلزله نیز به کمک‌رسانی به آسیب دیدگان مشغول بوده است. یکی از خدمات این گروه دایر کردن نانوائی سیار است.

در زلزله اخیر روستاهای منطقه سایه خوش استان هرمزگان طلاب جهادگر از اولین گروه‌هایی بودند که در منطقه حاضر شدند؛ گروه جهادی امام علی علیه السلام نیز یکی از این گروه‌ها بود.

انگیزه اصلی شما برای فعالیت‌های جهادی چیست؟

همان انگیزه‌ای که در دوران دفاع مقدس وجود داشت. اساساً جهاد فقط در میدان رزم خلاصه نمی‌شود بلکه یکی از مصادیق مهم آن کمک به محرومین، فقرا و نیازمندان است.

استان هرمزگان از مناطق مشترک است؛ چه فعالیت‌هایی در راستای تحکیم وحدت بین فرق اسلامی در این منطقه داشته‌اید؟

منطقه سایه‌خوش به طور کامل سنی‌نشین است. در پی زلزله‌ی اخیر، طلاب حوزه‌های شیعی از اولین گروه‌های حاضر شده در منطقه بودند.

خبرنگاری از من پرسید که چرا شما به این منطقه سنی‌نشین آمده‌اید؟ گفتم پیوند میان شیعیان و اهل سنت استان هرمزگان پیوندی عمیق و با سابقه طولانی است. ما آنان را برادران خود دانسته و برای کمک کردن آمده‌ایم. آنان نیز در فعالیت‌های ما مشارکت کرده و کمک می‌دهند.

این اخوت در پی زلزله‌ای که رخ داد، عینیت پیدا کرده و به همه نشان داده شد؛ جهادگران در بنای منازل برای محرومان، فرقی بین شیعه و سنی قائل نبودند.

فعالیت‌های جهادی چه تأثیری بر رشد علمی-اخلاقی طلاب دارد؟

برنامه‌های جهادی حوزه‌های علمیه، مکمل برنامه‌های تحصیلی و تهذیبی طلاب است؛ یکی از آن جاهایی که تهذیب طلاب متجلی می‌شود، فعالیت آنها در گروه‌های جهادی است. وقتی کسی در قالب گروه‌های جهادی به کمک محرومین می‌رود و به فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی می‌پردازد و هم فعالیت‌های سازندگی و کمک‌رسانی را عملیاتی می‌کند، این مصداق زکات علم و نمود تهذیب نفس اوست.

ما به نحوی برنامه‌ریزی می‌کنیم که فعالیت جهادی طلاب گروه‌مان بیشتر در تعطیلات و اوقات فراغت باشد تا از تعطیلی کلاس‌های درسی جلوگیری کنیم.

در زمان دفاع مقدس نیز مدرسه را به داخل مناطق عملیاتی بردیم؛ مدیر مدرسه علمیه النبی علیه السلام بندرعباس در آن دوران هنوز مفقودالاثراست.

ما بعد از نماز صبح کلاس‌ها را برگزار می‌کردیم و پس از آن به کارهای رزمی و تبلیغی در دل گردان رزمی می‌پرداختیم.

این تجربه در اردوهای جهادی نیز قابل اجراست؛ مثلاً طلاب همراه با اساتید خودشان به منطقه‌ای اعزام شوند و در آن‌جا هم کلاس‌ها را برگزار نمایند و هم به خدمت‌رسانی بپردازند.

یکی از دستاوردهای حضور طلاب در اردوهای جهادی ارتباط بیشتر طلاب با مردم و آشنایی ایشان با نیازهای جامعه است که تأثیر بسزایی در انگیزه‌های علمی آن‌ها نیز خواهد داشت.

به نظر شما چه موانعی بر سر راه فعالیت‌های جهادی طلاب و حوزویان وجود دارد؟

از جهت مادی و مالی متأسفانه حمایت‌های لازم از گروه‌های جهادی طلاب نمی‌شود؛ در یکی از اردوهای جهادی خودروی ما دچار سانحه تصادف شد و بعضی از اعضای گروه دچار آسیب شدند؛ اما هیچ مسئولی در این رابطه با ما ارتباط برقرار نکرد و پیگیر مشکلات ما نشد.

از تجربیات مهم خود در حین فعالیت‌های جهادی اگر خاطره‌ای را به یاد دارید، بیان فرمایید.

در زلزله سایه خوش اولین جایی که برای خاک برداری و پاک‌سازی آن رفتیم مسجد جامع سایه خوش بود. امام جمعه این شهر که از اهل تسنن هستند از این کار ما بسیار خرسند شده و در مصاحبه با خبرنگاران تشکر ویژه کردند.

خانواده‌ای را به یاد دارم که مشکل خاصی داشتند و با دیدن طلبه‌های جهادی و قابل اعتماد دانستن ایشان، تقاضای خود را مطرح نمودند و به این ترتیب مسئله‌شان حل شد.

وقتی مردم دچار بحران شوند و اولین کسی که به داد آن‌ها می‌رسد یک طلبه باشد، قطعاً حوزه‌های علمیه بیشتر در دل مردم جای می‌گیرد.

متن کامل گفتگو را در پایگاه اطلاع‌رسانی جهادگران حوزوی بخوانید.